

این فایل از کانال معلم یار ششم دانلود شده است.
برای حمایت از ما و دریافت نمونه سوالات با پاسخنامه بیشتر
در تلگرام آی دی زیر را جست و جو کنید

معلم یار ششم

نمونه سوال با پاسخنامه

درسنامه

فیلم های آموزشی

فیلم حل تمرین کتاب درسی

گام به گام

جزوه

برای دریافت مطالب کافی عضو کانال معلم یار ششم

به آدرس:

@MoallemYarIR6

بشید

ورود به کانال اصلی لمس کنید

در صورت قطع کله اینترنت کشور!

دوباره برمیگردم به سایت معلم یار و مطالب جدید و پایه به پایه تو سایت میفرستم



WwW.MoallemYar.iR



WwW.6Paye.iR

دبستان غیر دولتی هوشمند نیک‌نامان

نام و نام خانوادگی:

درسنامه درس پانزدهم فارسی

پایه: ششم

آموزگار: خانم درویشی

تاریخ: ۱۳۹۹/۱/۱۸

معنی واژگان درس میوه هنر

جور: ظلم - ستم / **زار**: ضعیف - ناتوان / **بیخ و بن**: ریشه - اساس - بنیاد / **تیشه**: وسیله آهنی نجاران که با آن چوب را می تراشند / **جرم**: گناه - خطا / **موسم**: فصل - وقت - هنگام / **حاصل**: دست آورد - در اینجا میوه - ثمره / **بار**: میوه **توده**: تپه - پشته / **توده شد**: جمع شد / **همیمه**: هیزم / **آوخ**: آخ - افسوس / **آتشگر**: آتش افروز - روشن کننده آتش / **گیتی**: جهان / **ادبار**: بدبختی - تیره بختی / **نالی**: می نالی - شکایت می کنی / **خوار**: پست - حقیر / **خار**: تیغ نوک تیز گیاهان / **فرجام**: سرانجام - پایان کار - عاقبت کار / **سزاوار**: شایسته

معنی درس پانزدهم میوه ی هنر

از جور تبر زار بنالید سپیدار

آن قصه شنیدید که در باغ یکی روز

آن داستان را شنیده اید که روزی درخت سپیدار در باغ از ستم تبر از سر ناتوانی ناله می کرد.

«۲ جمله خبری و پرسشی»

آن قصه ← مفعول / شنیدید ← ماضی (گذشته) / که ← حرف ربط / در ← حرف اضافه / بنالید ← فعل ماضی سپیدار ← نهاد

آرایه: تشخیص

از تیشه ی هیزم شکن و اره ی نجار

کز من نه دگر بیخ و بنی ماند و نه شاخی

از دست تیشه هزم شکن و اره نجار برای من ریشه و شاخه ای نمانده است.

«۲ جمله (کلمه "نه" فعل منفی میشود)» / کز (که از) ← حرف اضافه / ماند و ← حرف ربط (نه شاخی) (ماند ← فعل حذفی) / تیشه ی هیزم شکن ← ترکیب اضافی / اره نجار ← ترکیب اضافی / از ← حرف اضافه

آرایه: تناسب و تشخیص

کاین موسم حاصل بود و نیست تورا بار «۴ جمله»

گفتش تبر آهسته که جرم تو همین بس

تبر آهسته به او گفت: گناه تو این است که الان فصل میوه دادن است ولی تو میوه نداده ای

که ← حرف ربط / جرم تو همین بس ← مفعول (فعل حذفی است) / تورا (در اینجا را) ← به معنی برای

آرایه: تشخیص

شد توده در آن باغ سحر همیمه ی بسیار «۲ جمله»

تا شام نیفتاد صدای تبر از گوش

دبستان غیر دولتی هوشمند نیک‌نامان

نام و نام خانوادگی:

درسنامه درس پانزدهم فارسی

پایه‌ی: ششم

آموزگار: خانم درویشی

تاریخ: ۷۱۳۹/۱/۱۸

تا شب صدای تبر قطع نشد و صبح در آن باغ هیزم بسیاری جمع شده بود

صدای تبر ← نهاد / هیمة ← نهاد / بسیار ← صفت

آرایه: تضاد و کنایه (صدا از گوش افتادن کنایه از قطع شدن صدا)

دهقان چو تنور خود از این هیمة برافروخت بگریست سپیدار و چنین گفت دگر بار «۳ جمله»

وقتی کشاورز تنور خود را با آن هیزم روشن کرد سپیدار گریه کرد و دوباره گفت

دهقان ← نهاد / چو ← در اینجا به معنی وقتی که / تنور خود ← مفعول / هیمة ← مفعول / بگریست ← ماضی

سپیدار ← نهاد آرایه: تشخیص

آوخ که شدم هیزم و آتشگر گیتی اندام مرا سوخت چنین ز آتش ادبار «۳ جمله»

افسوس که به هیزم تبدیل شده ام و دنیای آتش افروز بدن مرا این چنین از آتش بدبختی و بیچارگی سوزاند

آتشگر گیتی ← نهاد / اندام مرا ← مفعول / سوخت ← به معنی سوزان / آتش ← مشبه به، ادبار ← مشبه

آتشگر ← مشبه به، گیتی ← مشبه آرایه: تشبیه، تناسب

خندید برو شعله که از دست که نالی ناچیزی تو کرد بدین گونه تورا خوار «۳ جمله»

شعله به او خندید و گفت از چه کسی شکایت می‌کنی؟ بی ارزش بودن تو، تو را اینگونه پست و حقیر کرده است

بروشعله ← نهاد / ناچیزی تو ← نهاد / تو را (تو مفعول) / خوار (خوار کرد ← فعل حذفی)

فعل می نالی مضارع (حال) است آرایه: تشخیص

آن شاخ که سر برکشد و میوه نیارد فرجام به جز سوختنش نیست سزاوار «۳ جمله»

شاخه ای که رشد می‌کند ولی میوه نمی‌دهد سرانجامی به جز سوختن شایسته اش نیست.

آن شاخ ← نهاد / سر بر کشد ← فعل / میوه ← مفعول آرایه: کنایه

جز دانش و حکمت نبود میوه ی انسان ای میوه فروش هنر این دکه و بازار «۳ جمله»

حاصل عمر انسان چیزی جز دانش و حکمت نیست. ای انسان اگر دانش و هنری اندوخته ای حالا وقت ارائه آن

است

دبستان غیردولتی هوشمند نیک‌نامان

نام و نام خانوادگی:

درسنامه درس پانزدهم فارسی

پایه‌ی: ششم

آموزگار: خانم درویشی

تاریخ: ۱۳۹۷/۱/۱۸

میوه انسان ← نهاد / میوه فروش ← منادا / **آرایه: تناسب**
میوه‌ی انسان (علم و دانش که نتیجه موفقیت انسان) دکه و بازار (محل آشکار شدن علم و هنر)

از گفته‌ی ناکرده و بیهوده چه حاصل کردار نکو کن که نه سودی است ز گفتار «۳ جمله»

سخن بیهوده‌ای که به آن عمل نمی‌شود چه فایده‌ای دارد. عمل و کار خوب انجام بده که حرف زدن بدون عمل فایده‌ای ندارد.

فعل حذفی (شود) / کردار ← صفت / نکو کن ← امری

آسان گذرد گر شب و روز و مه و مه و سالت روز عمل و مزد بود کار تو دشوار «۲ جمله»

گر شب و روز و ماه و سال زندگی تو به تنبلی و تن‌پروری بگذرد و کار مفیدی برای آخرت انجام ندهی، روز قیامت که روز حساب اعمال و پاداش دادن است کار تو دشوار می‌شود

شب و روز و مه و مه و سالت ← نهاد / کار تو ← نهاد / **آرایه: تناسب، تضاد، تلمیح (روز قیامت)**

حکایت: افلاطون و مرد جاهل

گویند روزی افلاطون نشسته بود. مردی جاهل نزد او آمد و شروع کرد به حرف زدن: می‌گویند یک روز افلاطون در جایی نشسته بود. مرد نادانی به پیش او آمد و شروع به صحبت کرد. در میانه سخن گفت: «ای حکیم! امروز فلان مرد را دیدم که سخن تو می‌گفت و تو را دعا می‌کرد و می‌گفت: افلاطون، بزرگ مردی است که هرگز کس چون او نبوده است و نباشد، خواستم که شکر و سپاس او را به تو رسانم: در بین حرف‌های خود گفت: ای خردمند! امروز فلانی را دیدم که درباره تو صحبت می‌کرد و در حق تو دعا می‌کرد و می‌گفت: افلاطون مرد بزرگی است که هرگز کسی مانند او نبوده و نخواهد بود، خواستم تعریفی که از تو می‌کرد را به تو بگویم. افلاطون چون این سخن بشنید، سر فرو برد و بگریست و سخت دلتنگ شد: افلاطون وقتی این صحبت‌ها را شنید سر خود را پایین انداخت و شروع به گریه کرد و بسیار ناراحت شد. این مرد گفت: «ای حکیم! از من چه رنج آمد تو را که چنین تنگدل گشتی؟: آن مرد گفت: ای مرد خردمند! چرا از من رنجیدی و این گونه ناراحت شدی؟ افلاطون گفت: «از تو رنجی به من نرسید ولیکن برای من از این بدتر چیست که جاهلی مرا بستايد»: افلاطون گفت: تو باعث رنجیدن من نشدی ولی برای من چه چیزی می‌تواند از این بدتر باشد که شخص نادانی از من تعریف کند.

دبستان غیر دولتی هوشمند نیک‌نامان

نام و نام خانوادگی:

درسنامه درس پانزدهم فارسی

پایه‌ی: ششم

آموزگار: خانم درویشی

تاریخ: ۷۱۳۹/۱/۱۸

معنی واژگان درس افلاطون و مرد جاهل

جاهل : نادان / فلان : اشاره به فرد یا چیز نامعلوم / سخن تو می گفت : درباره تو حرف می زد / خواستم که شکر و سپاس او را به تو رسانم : خواستم که تشکر و قدردانی و سپاسگزاری او را به گوش تو برسانم / سر فرو برد : سرش را پایین انداخت / سخت دلتنگ شد : بسیار ناراحت شد / از من چه رنج آمد تو را که چنین تنگدل گشتی؟ : من چه کاری کردم که باعث رنجیدن و ناراحتی تو شده است؟ / ولیکن : ولی / جاهل : نادان / مرا : من را / بستاید : تعریف و تمجید کند - ستایش کند

شبه جمله : کلمه ای که معنای یک جمله کامل را بیان می کند و گاهی برای حالت های عاطفی به کار می رود.

شبه جمله ها بر دو نوع هستند:

۱- منادا را از حروف ندا تشخیص می دهیم . حروف ندا عبارتند از : ای ، یا ، ایا ، « ا » در پایان واژه ، (بدون هیچ علامتی) یعنی از لحن نوشته متوجه می شویم .

۲- صوت عبارتند از :

کاشکی ، کاش ، ای کاش ، آمین ، الهی	برای آرزو و دعا :
به به ، آفرین ، احسنت ، بارک الله ، مرحبا،خوشا	برای تشویق :
آه ، درد ، دریغا ، دریغ ، ای داد ، فریاد ، وای	برای تاسف و درد :
به ، وه ، عجب ، چه عجب ، عجباً ، شگفتا	برای تعجب :
امان ، الامان ، مبادا ، زنهان ، هان	برای تنبیه :
چشم ، به چشم ، بله قربان	برای احترام :
بله ، آری ، ای ، ای والله	برای قبول و تصدیق :
خاموش ، ساکت ، یاالله ، بسم الله	برای دستور :